

تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه روستایی

دکتر امیرحسین علی‌بیگی

استادیار دانشکده‌ی کشاورزی و عضو مرکز پژوهشی تحقیقات اقتصادی-اجتماعی، دانشگاه رازی

دکتر کیومرث زرافشانی

استادیار دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه رازی

سعیده اولایی

کارشناس ارشد توسعه‌ی روستایی، دانشگاه رازی

چکیده

هدف کلی این پژوهش توصیفی، تحلیل جنسیتی انجام فعالیت‌های کشاورزی به‌وسیله‌ی روستاییان شهرستان کرمانشاه، به روش کمی، است. جامعه‌ی آماری پژوهش را ساکنان روستاهای شهرستان کرمانشاه تشکیل دادند (۱۴۸'۴۲۵ نفر: ۷۹'۰۴۰ مرد و ۶۹'۳۸۵ زن) و با محاسبه‌ی حجم نمونه‌ی معادل ۳۸۲ نفر، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ی استفاده شد. بر اساس یافته‌ها، میزان مشارکت زنان روستایی، به‌ویژه زنان میان‌سال، در انجام امور مختلف پرورش دام بیش از مردان بود، ولی در امور زراعت و باغداری، تنها در وجین و فرآوری محصولات مشارکت داشتند؛ همچنین میزان دسترسی زنان به منابع مختلف و تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد منابع و درآمدها نیز کمتر از مردان بود. بر اساس تحلیل واریانس دوسویه، از لحاظ میزان مشارکت فیزیکی در امور کشاورزی، میزان دسترسی به منابع، و توان دخل و تصرف در آن‌ها (کنترل و تصمیم‌گیری)، بین چهار گروه مردان میان‌سال، زنان میان‌سال، زنان جوان، و مردان جوان روستایی، اختلافی معنادار مشاهده شد؛ بنا بر این، برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی شهرستان کرمانشاه بر پایه‌ی واقعیت‌های مذکور و بر اساس عدالت‌محوری جنسیتی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی

جنسیت؛ تحلیل جنسیتی؛ دسترسی؛ کنترل؛ تصمیم‌گیری؛ کشاورزی؛

تجارب به دست آمده از روی کردهای مختلف توسعه در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که درون‌زا بودن توسعه، اتکا به منابع خودی، استفاده‌ی مطلوب از منابع مختلف، و توازن و تعادل توسعه، از عوامل اصلی پایداری آن به شمار می‌روند. انسان‌ها مهم‌ترین منبع توسعه اند و نیمی از این منابع انسانی هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند؛ بنا بر این، برنامه‌ریزی اصولی برای آنان باید از بنیان‌های مهم هر اجتماع باشد، به‌خصوص این که در نظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان تولیدکننده و چه به عنوان خدمت‌رسان، و یا حتی مصرف‌کننده، در تعادل و توازن توسعه نقشی اساسی دارد (پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهرا ۱۳۸۱)؛ اما به‌رغم این واقعیت، آمار جهانی موجود بیان‌گر چیزی دیگر است:

- حدود ۷۸۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه از گرسنگی و سوء تغذیه رنج می‌برند، که بیش‌تر آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند (سازمان خواروبار و کشاورزی^۱ بی‌تا).
- حدود ۵۰۰ میلیون زن محروم در مناطق روستایی دنیا، پایه‌گذار جهان سومی دیگر اند (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۳).
- سهم زنان از مالکیت اراضی کشاورزی تنها دودرصد است و تنها یک‌درصد کل اعتبارات کشاورزی به زنان تعلق دارد (سازمان خواروبار و کشاورزی بی‌تا).
- تنها پنج‌درصد از کل منابع ترویج و آموزش کشاورزی متوجه زنان روستایی است (همان).

- تنها ۱۵ درصد از عاملان ترویج و آموزش کشاورزی در دنیا زن اند (همان).
- زنان، تنها مالک یک‌درصد از دارایی‌های جهان اند (پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهرا ۱۳۸۱).
- زنان، دو سوم از ۶۰ میلیون بی‌سواد جهان را تشکیل می‌دهند و دختران، دوسوم از صدمیلیون کودکی اند که در دوران ابتدایی مدرسه را ترک می‌کنند (پژوهشکده‌ی توسعه‌ی جهانی^۲ ۱۹۹۹).

- زنان، ۸۰ درصد کارگران مزارع کارگاهی را با دست‌مزد بسیار ناچیز و شرایط کاری بد تشکیل می‌دهند.

- زنان، بخش عمده‌ی کارگران غیررسمی را که قادر به پی‌گیری خواسته‌های شغلی خود نیستند تشکیل می‌دهند (سازمان بین‌المللی کار^۳ ۱۳۸۳).

- برای کار مساوی با مردان، زنان ۳۰ تا ۴۰ درصد کم‌تر حقوق می‌گیرند (امبری ۱۳۷۴).
- اگر حقوق واقعی زنان برای کار در خانه، کشاورزی، نگاهداری و پرورش فرزندان، و مدیریت خانه در نظر گرفته‌شود، سطح بازدهی جهانی ۲۵ الی ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.

¹ Food and Agricultural Organization (FAO)

² Global Development Research Center (GDRC)

³ International Labour Organization (ILO)



تعمق در آمار مذکور، که نشان‌گر بی‌عدالتی جنسیتی در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی خرد و کلان کشورها در گذشته است، باعث شده تا توجه برخی از اندیش‌مندان و حامیان پایداری توسعه، به بحث مهم تحلیل جنسیتی جلب شود.

مبانی نظری

مفهوم جنسیت، سه دهه‌ی پیش به محتوای توسعه راه یافت و به دنبال آن روی‌کردهایی متفاوت برای دستیابی به توازن جنسیتی در جهان مطرح شد. اولین تلاش‌ها برای ارتقای موقعیت زنان نیز با نگاه «جدا ولی برابر»، در ابتدای دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شد، که با عنوان «زن در توسعه»^۱ شناخته می‌شود و بر نقش تولید مثل زنان تأکید دارد. هدف این دیدگاه «زنان، جدای از مردان» است و روی‌کردهایی مختلف، شامل رفاه، فقرزدایی، و کارایی نیز در زیر چتر آن ارائه شده‌است (مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۱).

به دنبال انتقاداتی که در مورد دیدگاه «زن در توسعه» مطرح شد، از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، دیدگاه «جنسیت و توسعه»^۲ در سطح جهانی رسمیت یافت (فکوربان ۱۳۷۹)، که بر اساس آن، فرودستی پای‌گاه زنان و تبعیض علیه آن‌ها با عدم مشارکت ایشان در برنامه‌های توسعه معنا پیدا می‌کند (ورزگر ۱۳۸۱). در این دیدگاه، زنان در مجموعه‌ی منابع انسانی کشور دیده می‌شوند و برای بهبود وضعیت آن‌ها، با توجه به روابط زنان و مردان، خصوصاً در خانواده، طرح‌ها و برنامه‌های مکمل و حساس به مسائل جنسیتی در نظر گرفته می‌شود. دیدگاه جنسیت و توسعه، فقط محدود به مسائل زنان نیست، بلکه ساخت اجتماعی، سپردن نقش‌های اجتماعی بر اساس توانایی‌های فیزیکی و روحی، انتظارات جامعه از دو جنس، تحلیل مشارکت زنان، و طبقه‌بندی کار آنان را نیز در بر می‌گیرد (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۳).

دیدگاه نهادگرا، دیدگاه دیگری است که نسبت به دیدگاه جنسیت و توسعه تحول‌یافته‌تر است. این دیدگاه، ارزش‌ها، اعتقادات، باورها، روش‌ها، و ارکان سازمان‌های دولتی جامعه را نهادهایی پیوسته می‌داند و می‌خواهد موضوع جنسیت را در بطن همه‌ی نهادها و نظام فکری و ارزشی جامعه وارد کند. مبانی فکری این دیدگاه نیز، بیش‌تر در قالب روی‌کرد توان‌مندسازی زنان است (مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۱). در روی‌کرد توان‌مندسازی، زنان، نیازمند، آسیب‌پذیر، و تنها به عنوان عاملی انسانی در رشد اقتصادی پنداشته نمی‌شوند، بلکه هدف، ارتقای توان اتکا به خود و کنترل عادلانه‌ی منابع است

^۱ Women in Development

^۲ Gender and Development (GAD)

(شادی‌طلب ۱۳۸۰). از دیدگاه اقتصادی، توان‌مندسازی زنان به مفهوم گسترش کنترل زنان فقیر بر کل فرآیندهای اقتصادی، و نه صرفاً انجام برخی امور تولیدی است (پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهرا ۱۳۸۱). این دیدگاه خواستار افزایش برابری در پنج معیار رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، و کنترل است (مهندسان مشاور جامع ایران ۱۳۷۶) و بر اساس آن هر فرد باید امکان پرورش و استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود را داشته‌باشد. این پژوهش نیز با توجه به دیدگاه نهادگرا و همین روی کرد توان‌مندسازی زنان، به تحلیل جنسیتی میزان مشارکت زنان و مردان روستایی شهرستان کرمانشاه در فعالیتهای کشاورزی، می‌پردازد.

تحلیل جنسیتی روشی است که به مطالعه‌ی روابط بین مردان و زنان و نابرابری‌هایی که در روابط اجتماعی آن‌ها وجود دارد پرداخته، به سؤال‌هایی مانند چه کسی چه کار می‌کند؛ چه کسی مالک چیست؛ چه کسی تصمیم می‌گیرد؛ چه کسی از نتیجه‌ی تصمیم‌ها بهره‌مند می‌شود؛ و چه کسی بازنده است پاسخ می‌گوید (فکوریان ۱۳۷۹). در تحلیل جنسیتی، واحد تحلیل، فرد است، نه خانواده؛ زیرا فرض اصلی این تحلیل آن است که لزوماً همه‌ی اعضای خانواده به صورت برابر در منابع به‌دست‌آمده سهم نمی‌شوند (ورزگر ۱۳۸۱)؛ تحلیل جنسیتی به شیوه‌ی تقسیم قدرت، مسئولیت، و حق می‌پردازد (نمابندگی نیروی هم‌کاری‌های توسعه^۱ ۱۹۹۹).

در این پژوهش، تحلیل جنسیتی، شامل تحلیل کلیه‌ی فعالیت‌ها و نقش‌های مردان و زنان در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، و نیز تحلیل وضعیت زنان و مردان از نظر حق تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع مرتبط با فعالیت‌های مورد نظرشان است.

پیشینه‌ی پژوهش

زنان روستایی، به عنوان اولین مدیران منابع طبیعی، از دیرباز در توسعه‌ی فرهنگ، صنعت، و کشاورزی ملت‌ها نقش داشتند (جاراللهی ۱۳۷۹). آنان به دلیل مسئولیت حفظ افراد تحت سرپرستی و تغذیه آن‌ها، رفته‌رفته به خوراکی بودن گیاهان پی بردند و زمان و مکان رویش آن‌ها و در نهایت زراعت را کشف کردند. تقریباً همه‌ی انسان‌شناسان و باستان‌شناسان معتقد اند که زنان به لحاظ تاریخی اولین کشاورزان جهان محسوب می‌شوند (حیدری و جهان‌نما ۱۳۸۲). صفری شالی (۱۳۸۰)، به نقل از ویل دورانت^۲، می‌گوید در اجتماعات روستایی، قسمت اعظم رشد اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده، نه مردان. قرن‌های متمادی مردان با روش‌های کهن به شکار اشتغال داشتند و زنان در اطراف خیمه‌ها، زراعت

^۱ Norwegian Agency for Development Cooperation (NORAD)

^۲ Durant, Will (1885-1981)



را ترقی می‌دادند و هزاران هنر خانگی ایجاد کردند که هر یک، روزی پایه‌گذار صنعتی بسیار مهم شدند. در روزگار ما نیز که بخش کشاورزی یکی از تواناترین بخش‌های اقتصادی کشور، تأمین‌کننده‌ی حدود یک سوم اشتغال، بیش از چهار پنجم نیازهای غذایی کشور، نیمی از صادرات غیرنفتی، یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور، و برطرف‌کننده‌ی ۰/۹ نیاز صنایع به محصولات کشاورزی است، زنان نقشی مؤثر دارند.

تولیدات بخش کشاورزی به‌دست‌آمده کار ۴/۲ میلیون خانوار روستایی است (شادی‌طلب ۱۳۷۴). مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد روستا به تعدادی واحدهای تولیدی کوچک (خانوار) متکی است که زنجیروار به هم پیوسته‌اند و زنان روستایی و عشایری، با جمعیتی بیش از ۱۲ میلیون نفر، عنصر حیاتی این واحدها به شمار می‌آیند؛ به طوری که ساختار اقتصاد خانواده‌ی روستایی بدون حضور آن‌ها پایدار نخواهد بود. آمار غیررسمی، نیروی کار زنان را ۴۰ تا ۵۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی برآورد می‌کند (مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۱) و ۶۰ درصد زراعت برنج، ۹۰ درصد سبزی و سیفی، ۵۰ درصد پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد امور داشت باغ‌ها، و ۹۰ درصد پرورش کرم ابریشم به دست زنان انجام می‌گیرد (باقری ۱۳۷۴). به نقل از لباف خانیکی (۱۳۸۰)، نوع و میزان فعالیت زنان، به شیوه‌های زندگی، شرایط جغرافیایی، عوامل محیطی، و باورها و فرهنگ هر منطقه بستگی دارد؛ برای مثال، در منطقه‌ی ساری، که شیوه‌ی غالب گذران زندگی، کشاورزی است، ۸۹/۵ درصد از زنان در کارهای کشاورزی فعالیت می‌کنند؛ در حالی که در روستاهای منطقه‌ی ایلام، تنها ۷ درصد زنان در امور زراعی هم‌کاری دارند و در عوض ۶۵ درصد در امور دام و صنایع دستی فعالیت می‌کنند. در مناطق خشک، که زنان وقت زیادی برای جمع‌آوری هیزم صرف می‌کنند، فرصتی برای شرکت مستقیم در زراعت ندارند.

زنان روستایی با نیروی کار خود علاوه بر ایجاد منابع مالی، با تأمین منابع غیرمالی نیز به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند. آن‌ها در تولید کالاهای دارای مصارف خانگی نظیر سبزی، فرآورده‌های لبنی، و لباس نقشی اساسی دارند و با تولید این گونه کالاها در منزل، معادل ۴۵ درصد از درآمد واقعی خانوار را تأمین می‌کنند (شادی‌طلب ۱۳۷۹). نقش چندجانبه‌ی زنان روستایی در فعالیت‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی و کشاورزی بدین معنا است که روزی کاری آن‌ها معمولاً طولانی است؛ به طوری که کار روزانه‌ی زنان روستایی کشورهای در حال توسعه به طور معمول بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت، و در کشور ما، متوسط ساعات کار روزانه‌ی زنان روستایی در فصل‌های زراعی، ۱۴/۳۷ ساعت برآورد شده‌است، که از این مقدار ۹/۳۶ ساعت به فعالیت‌های تولیدی (زراعی، فرآوری، و تبدیلی) و بقیه به فعالیت‌های بازتولیدی در خانه اختصاص دارد (لباف خانیکی ۱۳۸۰).

با وجود این واقعیت‌ها، هنوز کار زنان در محاسبات اقتصادی چندان به حساب نمی‌آید و این عدم انعکاس واقعی نقش زنان در تولید، به علاوه نبود آمار جهانی به تفکیک جنسیت، مشکل فقدان شناخت کارایی و ارزش افزوده‌ی کار زنان را ایجاد کرده و عامل بازدارنده‌ی در رشد انسانی زنان روستایی است (امیری ۱۳۷۴).

اگرچه تمام مطالعات انجام‌شده، نشان‌گر نقش قابل‌توجه زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی است، ولی مشارکت آن‌ها در مدیریت و تصمیم‌گیری و نیز دسترسی آنان به درآمدهای به‌دست‌آمده از این فعالیت‌ها اندک است؛ در حالی که سهم کاری آنان اقتضا می‌کند که از چنین استقلالی برخوردار باشند. در حقیقت، زنان روستایی را هنگامی می‌توان توانا خواند که تنها شریک انجام کار نباشند، بلکه در مدیریت و تصمیم‌گیری نیز شریک باشند (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲). به نقل از مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۹) تصمیم‌گیری در مورد فروش، انتخاب نوع کشت، هزینه‌ها، کنترل درآمد کشاورزی، و شیوه‌ی استفاده از مازاد محصول بر عهده‌ی مردان است و هرچند در برخی روستاها تصمیم‌گیری در مورد استخدام کارگر (یاور) بر عهده‌ی زنان است، اما باز هم تصمیم‌های کلیدی، همچون خرید و فروش نهاده‌های تولید و وسایل کشاورزی، به وسیله‌ی مردان گرفته می‌شود.

به نقل از حیدری و جهان‌نما (۱۳۸۲)، ۷۴ درصد از صاحب‌نظران، میزان مشارکت زنان در دسترسی به عوامل تولید را کم، ۲۱ درصد متوسط، و فقط ۵ درصد زیاد اعلام کرده‌اند. نظرات پاسخ‌گویان در مورد دسترسی زیاد به برخی نهاده‌ها مانند اعتبارات بانکی، زمین، ماشین‌آلات، و سایر نهاده‌ها صفر اعلام شده و در بین موارد یادشده، دسترسی زنان به امور دام بیش از سایر موارد بوده‌است. به نقل از فخرالدین (۱۳۷۳)، سن، سواد، و سابقه‌ی فعالیت‌های کشاورزی زنان در میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، مؤثر، و عواملی دیگر مثل علاقه، شغل همسر، آموزش‌های ترویجی، و تعداد فرزندان، بی‌تأثیر بوده‌است. نتایج پژوهش امیرنیا (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که زنان دهستان انزل جنوبی در ارومیه، دوشادوش مردان در کلیه‌ی مراحل برداشت محصولات می‌چون گندم، نخود، و میوه‌های باغی شرکت دارند، اما نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری بسیار اندک است و این موضوع سبب فرودست شدن پای‌گاه اجتماعی-اقتصادی آنان شده‌است. شادی‌طلب (۱۳۷۹) در پژوهشی که در جوامع روستایی استان‌های یزد و آذربایجان انجام داد، با تأکید بر این مسئله که تحلیل جنسیتی، نخستین مرحله‌ی برنامه‌ریزی حساس به جنسیت است، نشان داد که زنان روستایی، همراه با مردان، نان‌آور خانه اند، اما مدیریت خانه، که معمولاً تصور می‌شود بر عهده‌ی زنان



است، به طور کامل به آنان واگذار نشده و تصمیم‌های اقتصادی خانواده همچنان با مردان است. نتیجه‌ی جالب‌توجه دیگر، که تحولی جدید در جامعه‌ی روستایی ایران محسوب می‌شود، حرکت خزنده‌ی زنان روستایی به سوی استقلال است؛ اما به صورتی که این کسب درآمد مستقل، موجب جدایی زن از خانواده نشده‌است و درآمد به‌دست‌آمده، در راه تأمین هزینه‌های زندگی و آموزش فرزندان صرف می‌شود.

سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (فائو)، که بیش‌ترین فعالیت را در زمینه‌ی تحلیل جنسیتی امور کشاورزی انجام داده، در برخی نقاط روستایی، اقدام به جمع‌آوری آمار حساس به جنسیت مرتبط با کشاورزی کرده‌است. این داده‌ها نه تنها برای تحلیل‌های کمی و کیفی روابط جنسیتی مفید است، بلکه باعث قدرت‌بخشی به زنان روستایی و حمایت مناسب‌تر از برنامه‌های توسعه می‌شود (کوری، تمپل‌من، و وربول^۱ ۲۰۰۴). پژوهش متخصصان سازمان خواروبار و کشاورزی در زمینه‌ی بررسی نقش زنان در امور زراعی، شیلات، دام‌پروری، و جنگل، در کشورهای مصر، اردن، و لبنان نشان می‌دهد که با ازدواج، بچه‌دار شدن، و بالا رفتن مهارت، میزان دسترسی به منابع و در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده افزایش می‌یابد (کوپ‌من^۲ ۱۹۹۷).

پژوهش‌گران زیادی از جمله کلورسن^۳ (۱۹۹۵)، ایشن‌گوما^۴ (۲۰۰۲)، باشا^۵ (۲۰۰۲)، فرگوسن و پیرالتا^۶ (۲۰۰۲)، آیان‌وال و الیمی^۷ (۲۰۰۴)، روی، کرو، و ساولو^۸ (۲۰۰۵)، گریس^۹ (۲۰۰۵)، گورانگ و گورانگ^{۱۰} (۲۰۰۶)، و شعبان‌علی فمی^{۱۱} (۲۰۰۶) به مطالعه‌ی شیوه‌ی انجام فعالیت‌های کشاورزی مناطق روستایی در کشورهای مختلف و وضعیت دسترسی به منابع و تصمیم‌گیری آن‌ها پرداخته و به نتایجی قابل‌توجه نیز دست یافته‌اند. برخی از این یافته‌ها نشان‌گر محرومیت زنان از دسترسی به منابع مختلف، به‌ویژه آموزش‌های ترویجی و دانش و فن‌آوری‌های کشاورزی، تأثیر دسترسی و کنترل بر زمین کشاورزی بر روی دسترسی به سایر منابع و دارایی‌ها، تأثیر سن زن و مرد، تجربه‌ی کشاورزی و دام‌داری، و سطح سواد زن بر میزان مشارکت زنان در امور کشاورزی اند، که هر یک به نوعی هدایت‌گر پژوهش‌گران این مطالعه در انجام تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در شهرستان کرمانشاه بودند.

¹ Curry, John, Diana Tempelman, and Alenka Verbole

² Koopman, Jeanne

³ Colverson, Kathleen Earl

⁴ Ishengoma, Christine G.

⁵ Bashaw, Zenebe N.

⁶ Ferguson, Anne, and Eduardo Peralta

⁷ Ayanwale, Adeolu B., and Taiwo Alimi

⁸ Roy, Jessica L., Ben Crow, and Brent Swallow

⁹ Grace, Jo

¹⁰ Gurung, Chanda, and Nawraj Gurung

¹¹ Shabanali Fami, Hossein

هدف کلی این پژوهش، تحلیل جنسیتی انجام فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه بود، که دستیابی به این هدف کلی، مستلزم رسیدن به اهداف اختصاصی زیر بود:

- تعیین میزان مشارکت فیزیکی روستاییان در انجام امور کشاورزی، به تفکیک جنسیت و گروه سنی.
- بررسی وضعیت دسترسی روستاییان به منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، به تفکیک جنسیت.
- بررسی وضعیت تصمیم‌گیری روستاییان در مورد منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، به تفکیک جنسیت.
- تعیین میزان تأثیر جنسیت و گروه سنی بر میزان مشارکت، وضعیت دسترسی، و تصمیم‌گیری روستاییان در فعالیت‌های کشاورزی.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها، از نوع غیرآزمایشی، و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری این پژوهش توصیفی و پیمایشی را ساکنان روستاهای شهرستان کرمانشاه (۱۴۸'۴۲۵ نفر)، شامل ۷۹'۰۴۰ نفر مرد و ۶۹'۳۸۵ نفر زن، در چهار گروه سنی-جنسیتی متفاوت تشکیل دادند، که این چهار گروه عبارت‌اند از دختران روستایی (۱۰ تا ۲۴ سال)، پسران روستایی (۱۰ تا ۲۴ سال)، زنان روستایی (۲۵ تا ۶۴ سال)، و مردان روستایی (۲۵ تا ۶۴ سال). محاسبه‌ی حجم نمونه^۱ با استفاده از جدول کرج‌سی و مورگان^۲ (۱۹۷۰) و با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌یی صورت گرفت ($n = 382$). ابزار اصلی پژوهش، پرسش‌نامه‌یی شامل بررسی وضعیت انجام فعالیت‌های زنان و مردان روستایی در زمینه‌های زراعت، باغبانی، پرورش دام، تهیه‌ی فرآورده‌های کشاورزی، دامی، و صنایع خانگی، دسترسی به منابع، و کنترل زنان و مردان بر منابع بود، که در طراحی آن از چهارچوب‌های تحلیل جنسیتی هاروارد، همچون تحلیل فعالیت‌ها، تحلیل کنترل، و دسترسی به منابع، الهام گرفته‌شد. روایی ظاهری^۳ و محتوایی^۴ ابزار پژوهش با استفاده از نظرات متخصصانی چون اعضای هیئت علمی رشته‌های جامعه‌شناسی روستایی، ترویج کشاورزی، و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه رازی

¹ Sample Size

² Krejcie, Robert V., and Daryle W. Morgan

³ Face Validity

⁴ Content Validity



و همچنین کارشناسان ارشد توسعه‌ی روستایی سازمان جهادکشاورزی استان کرمانشاه به دست آمد. پایایی ابزار پژوهش نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۷۱ بود، که پایایی بالای پرسش‌نامه را نشان می‌داد. پرسش‌نامه‌ی تأییدشده، به وسیله‌ی پرسش‌گران زن و مرد محلی و به صورت مصاحبه، تکمیل و جمع‌آوری شد و در نهایت، داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم افزار SPSS^{ver. 14} مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ی روستاییان

بر اساس یافته‌ها، ۴۷/۴ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش، زن (شامل ۲۱/۲ درصد جوان و ۲۶/۲ درصد میان‌سال) و ۵۲/۶ درصد نیز مرد بودند (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس گروه سنی و جنسیت

جنسیت	گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	جوان	۸۱	۲۱/۲	۲۱/۲
	میان‌سال	۱۰۰	۲۶/۲	۴۷/۴
مرد	جوان	۹۱	۲۳/۸	۷۱/۲
	میان‌سال	۱۱۰	۲۸/۸	۱۰۰/۰
جمع		۳۸۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

بر اساس جدول ۲، از بین ۵۷ درصد پاسخ‌گویان متأهل، ۵۰ درصد زن و مرد میان‌سال و ۷ درصد جوان بودند. وضعیت تأهل در میان زنان و مردان وضعیتی مشابه داشت، اما تعداد مردان مجرد اندکی بیش‌تر بود.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس وضع تأهل

جنسیت	گروه سنی	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
زن	جوان	مجرد	۶۷	۱۷/۵
		متأهل	۱۴	۳/۷
		مجرد	۵	۱/۳
مرد	جوان	متأهل	۹۵	۲۴/۹
		مجرد	۷۷	۲۰/۲
		متأهل	۱۴	۳/۷
میان‌سال	مجرد	متأهل	۱۶	۴/۲
		متأهل	۹۴	۲۴/۶

¹ Statistical Package for the Social Sciences

بر اساس جدول ۳، تحصیلات مردان، نسبت به زنان و نیز جوانان نسبت به میانسالان از سطحی بالاتر برخوردار است. در سطوح بالاتر تحصیلی، تفاوت میان زنان و مردان روستایی چشمگیر است؛ بیش‌تر دختران جوان روستایی تا پنجم ابتدایی درس خوانده‌اند، اما نمای سطح تحصیلات پسران جوان، سوم راهنمایی است.

جدول ۳- تحصیلات روستاییان بر حسب گروه سنی و جنسیت

سطح تحصیلات	جنسیت زن		مرد	
	گروه سنی جوان	میانسال	گروه سنی جوان	میانسال
بی‌سواد	۳	۰/۸	۳	۰/۸
خواندن و نوشتن	۹	۲/۴	۴	۱/۱
پنجم ابتدایی	۴۸	۱۲/۶	۲۶	۶/۸
سوم راهنمایی	۲۱	۵/۵	۴۰	۱۰/۵
دیپلم	۰	۰/۰	۱۱	۲/۹
بالاتر از دیپلم	۰	۰/۰	۵	۱/۳

میزان مشارکت فیزیکی روستاییان در امور کشاورزی، به تفکیک جنسیت و گروه سنی

اولین هدف اختصاصی پژوهش، تعیین نقش‌ها و فعالیت‌های بدنی یا میزان مشارکت فیزیکی روستاییان در انجام امور کشاورزی، نظیر فعالیت‌های مختلف دام‌پروری (پرورش گاو و گوساله، پرورش گوسفند و بز، پرورش طیور، مدیریت، بازاریابی، و فرآوری محصولات دامی) و زراعت و باغبانی (مراحل قبل از کاشت، کاشت، برداشت، و بعد از آن)، به تفکیک جنسیت و گروه سنی بود، که یافته‌های به‌دست‌آمده در ادامه آمده‌است.

میزان مشارکت در امور دامی

در امور مربوط به پرورش گاو و گوساله، بردن گاو و گوساله برای چرا و چیدن علوفه‌ی تازه، کارهایی مردانه‌اند و شیردوشی، تمیز کردن جای‌گاه دام، و آب و علوفه دادن به گاوها، کارهایی زنانه محسوب می‌شوند. خشک کردن علوفه و حمل علوفه از مزرعه به خانه را مردان و زنان هر دو انجام می‌دهند، که زنان میان‌سال بیش‌ترین فعالیت، و زنان جوان کم‌ترین فعالیت را در این بخش بر عهده دارند^۱.

از میان فعالیت‌های پرورش گوسفند و بز، بردن گوسفند و بز برای چرا و چیدن پشم گوسفندان کارهایی مردانه، و شیردوشی و آب و علف دادن به گوسفندان کارهایی زنانه‌اند. کمک به حیوانات در زمان زایمان و شیر دادن مصنوعی به بره‌ها را مردان و زنان هر دو

^۱ به علت طولانی شدن بیش از حد مقاله از درج جداول مربوط خودداری می‌شود.



انجام می‌دهند، که بر اساس یافته‌ها، میزان مشارکت زنان میان‌سال در پرورش گوسفند و بز بیشتر از مردان میان‌سال و مردان جوان است. زنان جوان، کم‌ترین فعالیت را در این بخش بر عهده دارند.

در پرورش طیور خانگی، فقط جوجه‌کشی را مردان و زنان با هم انجام می‌دهند و بقیه‌ی امور شامل جمع کردن تخم‌مرغ‌ها، آب و دانه دادن به طیور، و در آوردن طیور در صبح و جا کردن آن‌ها در شب، وظیفه‌ی زنان است؛ در نتیجه، فعالیت زنان در پرورش طیور بیشتر است.

در مرحله‌ی مدیریت، بازاریابی، و فرآوری محصولات، کارهایی چون فروش مرغ و جوجه، تعمیر جای‌گاه دام، و کنترل حساب‌های دام‌داری، کارهایی مردانه، و تبدیل شیر به فرآورده‌های لبنی، فروش تخم‌مرغ و فرآورده‌های لبنی، و پشم‌ریسی، کارهایی زنانه‌اند. فعالیت‌هایی هم‌چون فروش شیر و خرید جوجه نیز به صورت مشترک انجام می‌شود و به طور کلی همه‌ی اعضای خانواده در فعالیت‌های مدیریت، بازاریابی، و فرآوری، نقش ایفا می‌کنند، اما مردان اندکی فعال‌تر اند.

جدول ۴ خلاصه‌ی وضعیت مشارکت در فعالیت‌های دام‌پروری را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، زنان میان‌سال بیش‌ترین مشارکت را در انجام امور دام بر عهده دارند؛ مردان میان‌سال در مرتبه‌ی بعد؛ و سپس به ترتیب زنان جوان و مردان جوان قرار دارند. به طور کلی میانگین میزان مشارکت زنان در امور دام‌پروری نمره‌ی ۲٫۷۵ از ۳ را به خود اختصاص داد، که این عدد برای مردان، کم‌تر و معادل ۲٫۰۱ بود.

جدول ۴- میزان مشارکت در همه‌ی فعالیت‌های دام‌پروری بر حسب گروه سنی و جنسیت

جنسیت	گروه سنی	میزان مشارکت		متوسط		زیاد	
		کم	فراروانی	درصد	فراروانی	درصد	فراروانی
زن	جوان	۳۲	۸/۴	۲۴	۶/۳	۲۵	۶/۵
	میان‌سال	۲۱	۵/۵	۳۹	۱۰/۲	۴۰	۱۰/۵
مرد	جوان	۲۶	۶/۸	۴۵	۱۱/۸	۲۰	۵/۲
	میان‌سال	۴۵	۱۱/۸	۳۷	۹/۷	۲۸	۷/۳
جمع		۱۲۴	۳۲/۵	۱۴۵	۳۸/۰	۱۱۳	۲۹/۵

میزان مشارکت در امور زراعی و باغی

یافته‌ها در مورد میزان مشارکت در کاشت محصولات زراعی و باغی نشان می‌دهد که کاشت محصولات باغی، کاشت محصولات زراعی، کاشت درختان میوه، و پخش کود

شیمیایی و کود دامی در باغ و در مزرعه بر عهده‌ی مردان است و کاشت سبزی و صیفی، و وجین و جمع‌آوری علف‌های هرز، به صورت مشترک، بر عهده‌ی مردان و زنان است. مردان میان‌سال بیش‌ترین فعالیت، و مردان جوان و زنان میان‌سال به ترتیب در مراحل بعدی این بخش قرار دارند. زنان جوان کم‌ترین فعالیت را در این زمینه انجام می‌دهند.

در مرحله‌ی داشت محصولات زراعی و باغی، همه فعالیت‌ها بر عهده‌ی مردان است و زنان تنها در وجین علف‌های هرز (با دست) کمک می‌کنند. مردان میان‌سال بیش‌ترین فعالیت، و زنان جوان، کم‌ترین فعالیت را در این بخش بر عهده دارند.

در مورد میزان مشارکت در برداشت و بعد از آن، چیدن محصولات زراعی، کوبیدن گندم و جو، پاک کردن گندم و جو، چیدن میوه، بسته‌بندی محصولات، انتقال گاه و علوفه‌ی خشک از مزرعه به انبار علوفه، سرپرستی کارگران در مزرعه، فروش میوه، فروش محصولات زراعی، و انتقال میوه از مزرعه به بازار به وسیله‌ی مردان انجام می‌شود و چیدن سبزی و صیفی، وظیفه‌ی مشترک بین زنان و مردان است. پاک کردن بذر سبزی‌جات، خشک کردن سبزی‌جات، درست کردن رب و مربا، و فروش سبزی به عهده‌ی زنان است.

جدول ۵ خلاصه‌ی وضعیت مشارکت در فعالیت‌های زراعی و باغی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، مردان میان‌سال بیش‌ترین فعالیت را در زمینه‌ی امور باغی و زراعی دارند و در مرتبه‌ی بعد مردان جوان قرار می‌گیرند. زنان میان‌سال و زنان جوان نیز به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند.

جدول ۵- میزان مشارکت در همه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و باغبانی بر حسب گروه سنی و جنسیت

جنسیت	گروه سنی	کم		متوسط		زیاد	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زن	جوان	۶۷	۱۷/۵	۱۳	۳/۴	۱	۰/۳
	میان‌سال	۳۸	۹/۹	۵۸	۱۷/۷	۶	۱/۶
مرد	جوان	۱۱	۲/۹	۵۸	۱۵/۲	۲۲	۵/۸
	میان‌سال	۴	۱	۱۳	۳/۴	۹۳	۲۴/۳
جمع		۱۲۰	۳۱/۴	۱۴۰	۳۶/۶	۱۲۲	۳۱/۹

به طور کلی، مردان، عمده‌ی کارهای زراعی را انجام می‌دهند و زنان در فعالیت‌های زراعی کم‌تر و در فعالیت‌های تبدیلی، بیش‌تر ایفای نقش می‌کنند. در شهرستان کرمانشاه



که کشت محصولاتی چون گندم و جو، نخود، یونجه و آفتاب‌گردان رایج است، مشارکت زنان در محصولاتی چون گندم و جو کمتر است، اما در مورد محصولات کاربری مثل نخود، یونجه، و آفتاب‌گردان مشارکت بیشتری دارند. به طور کلی میانگین میزان مشارکت زنان در امور زراعی و باغی عدد ۲/۱۵ را از ۳ به خود اختصاص داد، که این عدد برای مردان، بیشتر و معادل ۲/۸۰ بود.

وضعیت دسترسی روستاییان به منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی

دومین هدف اختصاصی، بررسی وضعیت دسترسی روستاییان به منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، به تفکیک جنسیت بود. بر اساس یافته‌ها، به طور کلی، وضعیت دسترسی زنان به منابعی که مربوط به خانوار است، کمتر، و در مورد منابعی مثل درآمد به‌دست‌آمده از محصولات خانگی و درآمد فرآورده‌های لبنی، بیشتر از مردان بود. در مورد منابعی مثل درآمد به‌دست‌آمده از باغداری و ادوات و ماشین‌آلات نیز، دسترسی مردان بیشتر بود (جدول ۶).

جدول ۶- درصد دسترسی زنان روستایی به منابع درون خانوار

منبع	درصد دسترسی
زمین آبی	۴۱
زمین دیم	۵۱
درآمد از دام‌پروری	۱۳
درآمد از فرآورده‌های لبنی	۱۷
درآمد از زراعت	۹
درآمد از باغداری	۶
درآمد از فرآورده‌های خانگی	۱۳
نیروی کار	۱۹
بذر	۵۰
کود	۵۰
ابزار کشاورزی	۳۴
گاو	۶۲
گوسفند	۴۵
بز	۳۸
پرندگان خانگی	۸۱

بر اساس یافته‌ها، زنان دسترسی کمتری به منابع خارج از خانوار داشتند؛ البته در مورد منابع خارج از خانوار، دسترسی همه‌ی افراد کم است، اما زنان نسبت به مردان از این گونه منابع بهره‌مندی کمتری داشتند. منابع خارج از خانوار عبارت‌اند از: آموزش‌های

ترویج کشاورزی، وام و اعتبارات کشاورزی، و تشکل‌ها و تعاونی‌های مربوط به کشاورزی. درصد دسترسی زنان روستایی به این منابع در جدول ۷ آمده‌است.

جدول ۷- درصد دسترسی زنان روستایی به منابع بیرون از خانوار

منبع	درصد دسترسی
وام و اعتبارات کشاورزی	۱۴
آموزش‌های ترویجی	۱۰
تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزی	۱۵

وضعیت تصمیم‌گیری روستاییان در مورد منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی

هدف اختصاصی سوم، بررسی وضعیت تصمیم‌گیری روستاییان در مورد منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، به تفکیک جنسیت بود. یافته‌ها نشان‌گر تفاوت قابل‌توجه، بین زنان و مردان، در مورد مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها بود؛ به این صورت که میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها، در حدی قابل‌توجه، کم‌تر از مردان (در مورد همه‌ی منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی) بود.

جدول ۸ میزان تصمیم‌گیری زنان روستایی در مورد کلیه‌ی منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها (به‌جز در زمینه‌ی ابزار سنتی کشاورزی و طیور خانگی) قابل‌توجه نیست.

تأثیر جنسیت و گروه سنی بر میزان مشارکت، دسترسی، و تصمیم‌گیری درباره‌ی منابع کشاورزی

آخرین هدف اختصاصی پژوهش، تعیین میزان تأثیر جنسیت و گروه سنی بر میزان مشارکت، وضعیت دسترسی، و تصمیم‌گیری روستاییان در فعالیت‌های کشاورزی بود، که برای به‌دست‌آوردن آن از تحلیل واریانس دوسویه^۱ استفاده شد. متغیرهای مستقل این تحلیل، جنسیت و گروه سنی (جوان و میان‌سال)، و متغیرهای وابسته، میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی، میزان دسترسی به منابع، و میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور کشاورزی بودند. مقیاس سه متغیر وابسته (با محاسبه‌ی نمره‌ی هر شرکت‌کننده در مشارکت، دسترسی، و تصمیم‌گیری) فاصله‌ی در نظر گرفته‌شد؛ بنا بر این، انجام تحلیل واریانس دوسویه از لحاظ مقیاس متغیرها بدون مانع بود.

^۱ Two-Way Analysis of Variance (ANOVA)



جدول ۸- درصد مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری درباره‌ی منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی

منبع مورد تصمیم‌گیری	درصد مشارکت
زمین آبی	۴
زمین دیم	۸
درآمد از دام‌پروری	۵
درآمد از فرآورده‌های لبنی	۶
درآمد از زراعت	۴
درآمد از باغ‌داری	۰
نیروی کار	۲
بذر	۷
کود	۵
ابزار کشاورزی	۲
گاو	۷
گوسفند	۵
بز	۵
پزندگان خانگی	۴۴
خرید، فروش، و اجاره‌ی زمین و باغ	۲
خرید، فروش، و اجاره‌ی دام	۲
خرید، فروش، و اجاره‌ی ابزار کشاورزی	۱۲
وام و اعتبارات کشاورزی	۲
آموزش‌های ترویجی	۲
تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزی	۲

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل واریانس دوسویه‌ی مشارکت فیزیکی در فعالیت‌های کشاورزی، با دو متغیر جنسیت و گروه سنی، در جدول ۹ مشاهده می‌شود.

جدول ۹- تحلیل واریانس دوسویه‌ی مشارکت فیزیکی در فعالیت‌های کشاورزی با جنسیت و گروه سنی

عامل	F	سطح معناداری
جنسیت	۲۲۹/۳۶۸	۰/۰۱
گروه سنی	۱۲۸/۴۵۳	۰/۰۱۱
جنسیت×گروه سنی	۱۷/۸۰۲	۰/۰۱

بر اساس جدول ۹، با اطمینان ۹۹ درصد، بین میزان مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های کشاورزی، و بین میزان مشارکت جوانان و میان‌سالان در این فعالیت‌ها، اختلافی معنادار وجود دارد و تأثیر متقابل این دو عامل نیز با اطمینان ۹۹ درصد، بر میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های کشاورزی مؤثر است؛ یعنی بین میزان مشارکت فیزیکی چهار گروه سنی-جنسیتی میان‌سالان زن، میان‌سالان مرد، و زنان و مردان جوان، از نظر آماری اختلافی معنادار وجود دارد.

نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس دوسویه‌ی میزان دسترسی به منابع کشاورزی، با دو متغیر جنسیت و گروه سنی، در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰- تحلیل واریانس دوسویه‌ی میزان دسترسی به منابع کشاورزی با جنسیت و گروه سنی

عامل	F	سطح معناداری
جنسیت	۴٫۰۳۴	۰٫۰۴۵
گروه سنی	۰٫۵۷۲	۰٫۴۵۰
جنسیت × گروه سنی	۴٫۵۷۵	۰٫۰۳۳

بر اساس جدول ۱۰، می‌توان دریافت که اختلافی معنادار بین میزان دسترسی زنان و مردان روستایی به منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی وجود دارد، که این اختلاف برای جوانان و میان‌سالان معنادار نبوده‌است. تعامل دو عامل جنسیت و گروه سنی بر دسترسی به منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی اثری معنادار داشت؛ به این مفهوم که اختلاف بین میزان دسترسی چهار گروه مورد نظر، از نظر آماری معنادار است. نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس دوسویه‌ی میزان تصمیم‌گیری در مورد منابع کشاورزی، با دو متغیر جنسیت و گروه سنی در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۱- تحلیل واریانس دوسویه‌ی میزان تصمیم‌گیری درباره‌ی منابع کشاورزی با جنسیت و گروه سنی

عامل	F	سطح معناداری
جنسیت	۱۳۱٫۳۸۲	۰٫۰۱۰
گروه سنی	۶۰٫۱۶۵	۰٫۰۰۹
جنسیت × گروه سنی	۶۷٫۳۳۹	۰٫۰۰۹

بر اساس جدول ۱۱ می‌توان دریافت که اختلافی معنادار بین میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان و مردان روستایی در مورد منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی وجود دارد، که این اختلاف برای جوانان و میان‌سالان نیز معنادار است. اثر تعاملی این دو متغیر بر متغیر وابسته نیز معنادار بود؛ به عبارت روشن‌تر، میزان قدرت تصمیم‌گیری چهار گروه زن و مرد میان‌سال و جوان در منطقه‌ی روستایی مورد مطالعه به هیچ وجه برابر نیست و در بین این گروه‌ها بیش‌ترین قدرت، مربوط به مردان میان‌سال است.



بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها، میزان بی‌سوادی در بین زنان میان‌سال روستایی شهرستان کرمانشاه از همه‌ی گروه‌های سنی-جنسیتی دیگر بیشتر بود. در سطوح بالاتر تحصیلی تفاوت میان زنان و مردان روستایی چشم‌گیر بود و این نتیجه‌ی است که در پژوهش‌های مختلف و به صورت‌های مشابه گفته شده‌است (پژوهشکده‌ی توسعه‌ی جهانی ۱۹۹۹)؛ بنا بر این، لزوم توجه به فراهم‌آوری شرایط باسوادی برای این قشر زحمت‌کش روستایی پیشنهاد می‌شود؛ چرا که تفاوت در سطح تحصیلات مردان و زنان روستایی، پی‌آمدهای بسیار جدی فرهنگی، نابه‌سامانی‌های خانوادگی، افزایش مهاجرت مردان جوان به شهرها و بر هم خوردن توان جنسیتی محیط روستا را به دنبال خواهد داشت.

یافته‌ها نشان داد که زنان در انجام امور مختلف پرورش دام مشارکت بیشتری نسبت به مردان دارند و در مقایسه‌ی بین گروه‌های مختلف سنی، میزان مشارکت زنان میان‌سال از دختران بیشتر است. مشارکت زنان در امور زراعت و باغداری، به طور عمده، به وجین، برداشت، و فعالیت‌های پس از برداشت محصولات، شامل فرآوری تولیداتی نظیر رب گوجه‌فرنگی، آب غوره، مربا، لبنیات، و ترشی‌ها اختصاص داشت. نتایج پژوهش‌های حیدری و جهان‌نما (۱۳۸۲) و مهندسان مشاور جامع ایران (۱۳۷۶) نیز در راستای این یافته‌ها است. بر اساس مطالب گفته شده، می‌توان به نقش قابل‌توجه زنان روستایی و به‌ویژه زنان میان‌سال در انجام فعالیت‌های کشاورزی، به عنوان جزئی از زندگی روزمره‌ی آن‌ها (نه به عنوان شغل) در روستاهای شهرستان کرمانشاه، به عنوان یکی از مناطق کشاورزی کشور، پی برد. یافته‌های استنباطی نیز نشان‌گر وجود اختلاف معنادار بین زنان و مردان جوان و میان‌سال در مورد میزان انجام فعالیت‌های کشاورزی (به طور کلی) بود؛ بنا بر این، توجه به وجود این اختلاف به برنامه‌ریزان ترویجی و توسعه‌ی پیشنهاد می‌شود.

بر اساس یافته‌ها، دسترسی به درآمد به‌دست‌آمده از زراعت، باغداری، و دام‌پروری (به غیر از مرغ خانگی)، بیشتر، مختص مردان بود تا زنان (حیدری و جهان‌نما ۱۳۸۲) نیز به همین نتیجه رسیده‌اند) و در کل میزان دسترسی مردان به منابع خارج از خانوار، مثل وام‌ها و اعتبارات کشاورزی، آموزش‌های ترویجی، و عضویت در تشکلهای و تعاونی‌ها هم بسیار بیشتر از زنان روستایی بود؛ به عبارتی می‌توان گفت که تقریباً زنان روستایی مورد نظر این پژوهش، از منابعی که می‌توانند به توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها کمک کنند، محروم‌اند. از آن جا که یافته‌های استنباطی پژوهش نیز این نکته را تأیید کرد، پیشنهاد می‌شود برای کاهش این محرومیت، زمینه‌یابی و زمینه‌سازی توسعه‌ی تشکلهای

کاملاً مردمی زنانه در روستاهای موردنظر ایجاد شود، تا در قالب آن‌ها میزان دسترسی به اعتبارات خرد، برای زنان نیز فراهم شود. نیازسنجی آموزشی و ترویجی زنان روستایی و برگزاری دوره‌های آموزشی اولویت‌دار نیز، بر اساس این نیازها، مورد تأکید است.

نتایج این پژوهش نشان داد که فقط ۱۰ درصد از شرکت‌کنندگان زن تا کنون از دوره‌های آموزشی ترویجی بهره برده‌اند؛ در حالی که این رقم برای مردان سه برابر است. زنان در زمینه‌ی دسترسی به آموزش‌های ترویجی محدودیت دارند، که این نتیجه، با نظرات کلورسن (۱۹۹۵)، کوپ‌من (۱۹۹۷)، ایشن‌گوما (۲۰۰۲)، و فرگوسن و پراتا (۲۰۰۲) هماهنگ است. زنان روستایی این شهرستان، هنوز هم با اندک معلومات کسب‌شده از خانواده و محیط محدود و بسته‌ی زندگی خود، در دنیای متحول امروز، به کشاورزی با شیوه‌ی سنتی اشتغال دارند؛ در حالی که حجم کشاورزی دهقانی در این شهرستان، به علاوه‌ی وجود دانشکده‌ی کشاورزی و اتفاقاً وجود رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه‌ی روستایی در مرکز این شهرستان، حکم می‌کند که زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، به عنوان مولدان و مبدلان محصولات کشاورزی، در جریان اشتغال خود، از آموزش‌های حرفه‌ی اولیه و تکمیلی برخوردار باشند.

نتایج این پژوهش در مورد وضعیت تصمیم‌گیری جالب بود. یافته‌ها نشان داد که در بیش‌تر منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی، هرم قدرت تصمیم‌گیری، از مردان میان‌سال شروع، و به زنان جوان ختم می‌شود؛ یعنی مردان میان‌سال بیش‌ترین حق تصمیم‌گیری را دارند؛ بعد از آنان، مردان جوان؛ و در پایان، زنان میان‌سال و زنان جوان قرار دارند. ارزیابی کلی از وضعیت تصمیم‌گیری زنان روستایی در مورد منابع مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی بسیار نامطلوب و بیان‌گر مشارکت اندک زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت واحدهای بهره‌برداری دهقانی است. این ارزیابی نشان می‌دهد که زنان روستایی با این وجود که نقش‌های زیادی در عرصه‌های مختلف کشاورزی بر عهده دارند، اما در عرصه‌ی مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری، محروم و ناتوان اند. این نتیجه، در مطالعات خانی (۱۳۷۵)، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۷۹)، شادی‌طلب (۱۳۷۹)، امیرنیا (۱۳۸۰)، اسدی (۱۳۸۱)، حیدری و جهان‌نما (۱۳۸۲)، ویسی و بادسار (۱۳۸۴)، باشا (۲۰۰۲)، فرگوسن و پراتا (۲۰۰۲)، گریس (۲۰۰۵)، و گورانگ و گورانگ (۲۰۰۶) نیز تأیید شده‌است.

یافته‌های استنباطی در راستای یافته‌های توصیفی، نشان‌گر معناداری تفاوت بین زنان و مردان در انجام فعالیت‌های کشاورزی، دسترسی به منابع، و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها بود، که پژوهش‌گران متعددی مانند خانی (۱۳۷۵)، امیرنیا (۱۳۸۰)، شادی‌طلب (۱۳۷۹)، حیدری



و جهان نما (۱۳۸۲)، وفایی (۱۳۸۲)، کوپمن (۱۹۹۷)، و گورانگ و گورانگ (۲۰۰۶). در گذشته، مورد تأیید قرار گرفته است. تأثیر جوانی و میان‌سالی (گروه سنی) نیز، که در نتیجه‌ی استفاده از تحلیل واریانس بر متغیرهای وابسته‌ی مذکور مشخص شد، به وسیله‌ی فخرالدین (۱۳۷۳)، کوپمن (۱۹۹۷)، و گورانگ و گورانگ (۲۰۰۶) مورد تأکید واقع شده است.

Archive of SID

منابع

- اسدی، عبدالرضا. ۱۳۸۱. «شناخت زنان روستایی با کاربرد روش تحقیق کیفی». *پژوهش زنان* ۱(۳): ۱۱۱-۱۲۶.
- امیرنیا، لیلا. ۱۳۸۰. «میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی: مطالعه‌ی موردی دهستان انزل جنوبی ارومیه». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- امیری، سوادبه. ۱۳۷۴. «زن، محور اساسی توسعه‌ی پایدار انسانی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه‌ی زنان در کشاورزی* ۱۹۰۳-۲۸.
- باقری، شهلا. ۱۳۷۴. «زن، هویت ملی، سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ی فرهنگی و برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». صص. ۱۲-۱۸ در *زن، علم، صنعت، و توسعه*. تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
- پژوهشکده‌ی زنان دانشگاه الزهرا. ۱۳۸۱. *زنان و توسعه: مجموعه گزارش‌های هم‌آیش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی ایران*. تهران: مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- جاراللهی، عنرا. ۱۳۷۹. «چگونگی مشارکت زنان ایرانی در تصمیم‌گیری‌ها». *فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱۱(۱)-۲۲۳-۲۰۴: (۱۲).
- حیدری، غلامرضا، و فهیمه جهان‌نما. ۱۳۸۲. «توانایی زنان در بخش کشاورزی-روستایی». *پژوهش زنان* ۱۲۹: (۶) ۱۶۳-۱۲۹.
- خانی، فضیله. ۱۳۷۵. «جای‌گاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه‌ی روستایی: مطالعه‌ی موردی استان گیلان». پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سازمان بین‌المللی کار. ۱۳۸۳. *کار شایسته و اقتصاد غیررسمی*. برگردان ضیایی بیگدلی. تهران: نشر افق.
- شادی‌طلب، ژاله. ۱۳۷۴. «زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه». *اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه زنان در کشاورزی* ۲۹: ۳-۴۸.
- _____. ۱۳۷۹. «برنامه‌ریزی جنسیتی بر پایه‌ی واقعیت‌ها». *فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱۱(۱۲)-۱: ۳۲.
- _____. ۱۳۷۹. «مدیریت زنان». صص. ۵۱-۶۵ در *مجموعه مقالات کنگره‌ی زن، دانشگاه، و فردای بهتر*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، معاونت فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات، و فن‌آوری.
- _____. ۱۳۸۰. «بانک زنان روستای حصاربن». *پژوهش زنان* ۱(۲): ۱۲۸-۱۴۳.
- صفری شالی، رضا. ۱۳۸۰. «نقش توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه‌ی پایدار روستایی». صص. ۱۲۵-۱۳۴ در *مجموعه مقالات هم‌آیش اعتبارات خرد زنان روستایی*، جلد ۲. تهران: وزارت جهاد سازندگی.



- فخرالدین، رفعت. ۱۳۷۳. «میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی و بررسی وضعیت آموزشی آنان در شهرستان شوشتر». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- فکوربان، طاهره. ۱۳۷۹. *کارگاه آموزشی تحلیل جنسیت در توسعه برای کارشناسان ترویج کشاورزی*. جزوه‌ی منتشرنشده. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- لباف خانیکی، مجید. ۱۳۸۰. «ارتباط اقتصادی زنان روستایی با نظام تولید سنتی». صص. ۱۸۶-۱۹۳ در *مجموعه مقالات هم‌آیند اعتبارات خرد زنان روستایی*، جلد ۲. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- مرکز امور مشارکت زنان. ۱۳۸۳. «زن، توسعه، و اصلاحات». *ریحانه* (۹): ۱۰۳-۱۱۲.
- مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران. ۱۳۸۱. «زنان و توسعه». *مجموعه گزارش‌های هم‌آیند چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی ایران*. تهران: مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. ۱۳۷۹. *سازمان‌دهی و مدیریت زنان روستایی در بخش کشاورزی: خلاصه گزارش گروه‌های مطالعاتی گروه‌های گرد هم‌آیی زنان، مشارکت، و کشاورزی ۱۴۰۰*، جلد ۴. تهران: مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- مهندسان مشاور جامع ایران. ۱۳۷۶. *کشاورزی و زنان*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، وزارت کشاورزی.
- ورزگر، شراره. ۱۳۸۱. «تحلیل جنسیتی و تجربه‌ی عملی آن در ایران». *پژوهش زنان* ۱(۳): ۸۷-۱۰۹.
- وفایی، اعظم. ۱۳۸۲. «بررسی رابطه‌ی فعالیت‌های زنان روستایی و برخورداری از حقوق اقتصادی-اجتماعی: مطالعه‌ی موردی روستای ورده». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- ویسی، هادی، و محمد بادیار. ۱۳۸۴. «بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه‌ی موردی استان کردستان». *روستا و توسعه* ۸(۴): ۱۹-۴۲.
- Ayanwale, Adeolu B., and Taiwo Alimi. 2004. "Microfinancing as a Poverty Alleviation Measure: A Gender Analysis." *Journal of Social Science* 9(2):111-117.
- Bashaw, Zenebe N. 2002. "Trajectories of Women, Environmental Degradation and Scarcity: Examining Access to and Control over Resources in Ethiopia." Paper presented at the African Gender Research in the New Millennium: Perspectives, Directions, and Challenges, CODESRIA (Council for the Development of Social Science Research in Africa) Symposium, 8-10 April 2002, Cairo, Egypt. Retrieved 7 April 2006 (<http://www.codesria.org/Links/conferences/gender/ZENEBE.pdf>).
- Colverson, Kathleen Earl. 1995. "Rural Women's Access to Agricultural Information: A Participatory Study of Two Honduran Communities." *Journal of Agricultural and Extension Education* 2(2):35-42.
- Curry, John, Diana Tempelman, and Alenka Verbole. 2004. "Fostering User-Producer Linkages in Gender-Disaggregated Data for Agricultural and Rural Development: The Experiences of FAO." Paper presented to the United Nations Economic Commission for Europe (UNECE) Work Session on Gender Statistics, 18-20 October 2004, Geneva, Switzerland.

- Ferguson, Anne, and Eduardo Peralta. 2002. *Broadening Access and Promoting Gender Equity in Bean and Cowpea Production, Marketing, and Processing*. Latin America/Caribbean Workplan, The Bean/Cowpea Collaborative Research Support Program (CRSP). Retrieved 13 April 2006 (<http://www.isp.msu.edu/crsp/Workplans for FY07/LAC-CC1-A2.pdf>).
- Food and Agricultural Organization (FAO). N.d. "Gender and Food Security: Agriculture." Web page, Retrieved 12 May 2006 (<http://www.fao.org/gender/en/agri-e.htm>).
- Global Development Research Center (GDRC). N.d. "IDRC: Gender Analysis as a Development Research Tool." Web page, Retrieved 5 April 2006 (<http://www.gdrc.org/gender/framework/idrc-tool.html>).
- Grace, Jo. 2005. *Who Owns the Farm? Rural Women's Access to Land and Livestock*. Kabul, Afghanistan: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Gurung, Chanda, and Nawraj Gurung. 2006. "The Social and Gendered Nature of Ginger Production Communalization: A Case Study of the Rai, Lepcha, and Brahmin-Chhetri in Sikkim and Kalimpong, West Bengal, India." Pp. 37–64 in *Social and Gender Analysis in Natural Resource Management: Learning Studies and Lessons from Asia*, edited by Ronnie Vernooy. New Delhi, India: SAGE Publications. Retrieved 13 November 2006 (http://www.idrc.ca/en/ev-93075-201-1-DO_TOPIC.html).
- Ishengoma, Christine G. 2002. "Accessibility of Resources by Gender: The Case of Morogoro Region in Tanzania." Paper presented at the African Gender Research in the New Millennium: Perspectives, Directions, and Challenges, CODESRIA (Council for the Development of Social Science Research in Africa) Symposium, 8–10 April 2002, Cairo, Egypt. Retrieved 25 November 2006 (<http://www.codesria.org/Links/conferences/gender/ISHENGOMA.pdf>).
- Krejcie, Robert V., and Daryle W. Morgan. 1970. "Determining Sample Size for Research Activities." *Educational and Psychological Measurement* 30(3):607–610.
- Koopman, Jeanne. 1997. "Gender and Participation in Agricultural Development Planning: Key Issues from Ten Case Studies." Paper prepared for the Food and Agricultural Organization (FAO) Women in Development Service, presented at the Workshop on Gender and Participation in Agricultural Development Planning: Harvesting Best Practices, 8–12 December 1997, FAO, Rome, Italy. Retrieved 21 May 2006 (<http://www.fao.org/sd/WPdirect/WPre0061.htm>).
- Norwegian Agency for Development Cooperation (NORAD). 1999. *Hand book in Gender and Empowerment Assessment*. Oslo, Norway: Norwegian Agency for Development Cooperation (NORAD).
- Roy, Jessica L., Ben Crow, and Brent Swallow. 2005. "Getting Access to Adequate Water: Community Organizing, Women, and Social Change in Western Kenya." Paper presented at the International workshop on 'African Water Laws: Plural Legislative Frameworks for Rural Water Management in Africa', 26–28 January 2005, Gauteng, South Africa.
- Shabanali Fami, Hossein. 2006. "Relationship between Different Characteristics of Rural Women with Their Participation in Mixed Farming Activities." *Journal of Agricultural Science and Technology* 8(2):45–52.



نویسندگان

دکتر امیرحسین علی‌بیگی،

استادیار دانشکده‌ی کشاورزی و عضو مرکز پژوهشی تحقیقات اقتصادی-اجتماعی، دانشگاه رازی
baygi1@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران
زمینه‌های پژوهشی وی، توسعه و ترویج روستایی، آموزش عالی کشاورزی، کارآفرینی، تحلیل جنسیت، و زنان روستایی است و تا کنون در این زمینه‌ها دو کتاب نگاشته و دو کتاب دیگر را به فارسی برگردانده‌است. همچنین ۱۵ مقاله‌ی علمی-پژوهشی از وی در نشریات معتبر فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده‌است.
وی هم‌اکنون رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و مدیر کارآفرینی و ارتباط با صنعت دانشگاه رازی کرمانشاه است.

دکتر کیومرث زرافشانی،

استادیار دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه رازی
zarafshani2000@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی آموزش و ترویج کشاورزی است و در این زمینه چندین مقاله از وی به چاپ رسیده‌است.

سعیده اولایی،

کارشناس ارشد توسعه‌ی روستایی، دانشگاه رازی
olaei-s@yahoo.com

پژوهش‌های وی در زمینه‌ی تحلیل جنسیتی و زنان روستایی است و در این زمینه چندین مقاله در هم‌آی‌های کشوری ارائه کرده‌است.